

آثار وجودی امام در زمان غیبت

آثار و برکات وجود آن حضرت در زمان غیبت بر همه روشن است. اگر بخواهیم به طور مفصل در این زمینه بحث کنیم، باید به داستان ها و کتاب هایی که در این زمینه نقل و نوشته شده است مراجعه کنیم. بعضی را هم خودمان تجربه کرده ایم. این مسئله در يك جلسه قابل بحث نیست.

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی (1)

اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعه و فی کل ساعه ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه إرضک طوعا و تمتعه فیها طویلا. (2)

پیش درآمد

بنده فقط به خاطر اطاعت از امر دوستان و اظهار جهل و عجز خودم در زمینه ی معرفت این وجود با عظمت در این جلسه شرکت کردم و توان این که سر مجهولی را برای آقایان کشف کرده و مسئله ای را حل کنم، در خود نمی بینم.

آثار و برکات وجود آن حضرت در زمان غیبت بر همه روشن است. اگر بخواهیم به طور مفصل در این زمینه بحث کنیم، باید به داستان ها و کتاب هایی که در این زمینه نقل و نوشته شده است مراجعه کنیم. بعضی را هم خودمان تجربه کرده ایم. این مسئله در يك جلسه قابل بحث نیست. ما آنگاه می توانیم به این پرسش پاسخ عمیق تری بدهیم که اول بدانیم وقتی امام حضور دارند چه برکاتی از ایشان به ما می رسد و در عصر غیبت کدام يك از این برکات حذف می شود. متأسفانه معرفت ما و کسانی که مثل بنده هستند، در مورد امام و مقام امامت بسیار ضعیف است. ما و همه ی خلائق مرهون عنایت آقا هستیم؛ ((و بیمنه رزق الوری؛ (3) و به برکتش به خلق روزی می رسد.)) ویژگی ما طلبه ها این است که استفاده ی ما از برکت آن حضرت بیش از دیگران است؛ در عین حال در این زمینه کوتاهی می کنیم.

در معرفت امام و به خصوص امام زمان(عج) هر شیعه در هر درجه و مرتبه ای از ایمان که باشد، باید بداند و معتقد باشد که بعد از پیغمبر اکرم(ص) دوازده امام معصوم(علیهم السلام) داریم؛ که یکی از آنها غایب و زنده است و روزی ظهور خواهد کرد. اصل وجود آن حضرت و غیبت و ظهورش را بسیاری از برادران اهل تسنن نیز قبول دارند و حتی کسانی از اهل سنت نیز مدعی زیارت آن حضرت شده اند. اصل اعتقاد به وجود و عشق و محبت به آن حضرت، اختصاص به شیعه ندارد و چیزی که ما را متمایز از دیگران می کند، اعتقاد به امامت ایشان است و این که حیات دارند و روزی ظهور کرده، وظایف امامت شان را انجام داده و جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد. به هر حال این اعتقاد شرط تشیع است؛ در غیر این صورت شیعه ی اثنا عشری نخواهیم بود. در زمان غیبت نیز استفاده هایی از وجود حضرت می شود.

بعید است که در بین شیعیان کسی باشد که اصل این مطلب را انکار کند. هم در امور تکوینی از آن حضرت استفاده می شود و هم در توسلات.

برکات توسل

برکات بسیاری در توسل به آن حضرت نازل می شود. در این زمینه، داستان های زیادی در کتاب ها نقل شده و در نجم الثاقب میرزای نوری؛ از این داستان ها بسیار است. وجود آن حضرت در زمان غیبت، مانند خورشید در پشت ابر است. (4) ما ایشان را نمی بینیم ولی او نور افشانی کرده و برکاتش را نازل می کند. هم جهان را روشن می کند و هم حرارت به عالم می دهد. زمینه ی حیات را فراهم می کند و هر کس هر معرفتی نسبت به امام داشته باشد، می داند که فقط پرده و ابری واسطه شده است و دیگر هیچ.

شناخت امام

مشکل این است که وقتی امام هم حاضر باشد، ما درست نمی فهمیم که امام یعنی چه و دارای چه مقام، برکات و نقشی در تکوین و تشریح می باشد؛ اگر بخواهیم پاسخ این پرسش را بفهمیم، بهتر است که به این پرسش برگردیم که اصلا وجود معصوم(ع) در زمان حضور چه برکاتی دارد و در زمان غیبت کدام يك از برکات حذف شده است؟ باید اعتراف کنیم که متأسفانه کسانی که امام شناسی آنها در حد بنده است، در این زمینه خیلی کوتاهی کرده اند. البته این تنها مربوط به شناخت امام نیست بلکه؛ نیست به سایر معارف نیز همین گونه است. ما وقتی هم به کسب علوم و معارف اسلامی همت می کنیم، بیش تر مربوط به ظواهر و احکام عملیه است که بتوان رساله ی علمیه نوشت و در مقام استفتا پاسخ داد. اما تعمق بیش تر در معارف، متأسفانه مانند علما و بزرگان گذشته صورت نمی گیرد. اما در این زمان، باید بگوییم که خیلی قصور داریم (اگر نگویم تقصیر). حال بگذریم از امواج شبهات، ضلالت ها و التقاطها و غیره که در این زمان بیش از هر زمانی پیدا شده و زمینه ی متزلزل کردن عقاید و ایمان نسل آینده را فراهم کرده است و به دنبال آن ما نیز برای حفظ معارف، اصالت ها و ارزش های ناب اسلامی برای نسل آینده وظیفه ی بسیار سنگینی داریم. تعمیق معارف؛ از خدانشناسی گرفته تا امامت و معاد و سایر مباحث بسیار ضعیف است. آیا واقعا معرفت ما نسبت به خدای متعال بیش تر از بعضی مردم عوام است که هیچ درس نخوانده و با قرآن و اهل بیت(علیهم السلام) آشنا نبوده و در معارف کار نکرده اند؟ به غیر از يك سری مفاهیمی که غالبا مفاهیم سلبی است، چه اندازه در مورد معرفت خدا پیش رفته ایم؟ دل ها چه قدر با خدا آشنا شده؟ چه اندازه این اعتقاد در رفتار ما اثر

گذاشته و می گذارد؟ این اعتقاد که می گوئیم خدا همه جا هست، واقعا این اعتقاد در رفتار ما چه قدر اثر دارد؟ آیا مانع از این می شود که در خلوت و جلوت گناه نکنیم؟ آیا آن اندازه که حضور يك طفل نابالغ در زندگی ما می تواند اثر داشته باشد، این اعتقاد به حضور خدا در ما اثر دارد؟ آیا به این مفاهیمی که در دعاها و مناجات ها آمده، توجه داریم و با آن آشنا هستیم؟ این مناجات شعبانیه که به فرموده ی امام، عارفان انتظار رسیدن ماه شعبان را داشته اند تا عاشقانه این مناجات را بخوانند، البته اگر موفق شویم بخوانیم، واقعا آیا با مضامین آن آشنا هستیم و در روح ما اثر می گذارد؟ آیا می فهمیم ((...الهی هب لی کمال الانقطاع الیک ...))(5) یعنی چه؟ ((... اللهمنی ولها بذکرک الی ذکرک ...))(6) یعنی چه؟ اسرار و پشت پرده بماند، همین چیزهایی که در دست عوام است و خیلی ها بیش تر از ما می خوانند، ما چه قدر به این ها معتقدیم و درک می کنیم؟ چه قدر بیش تر از دیگران به حقایق این ها رسیده ایم؟ قیاس به نفس می کنیم؛ کسانی که مانند من هستند خیلی ضعیف اند. خوشا به حال کسانی که جلوترند از این حرف ها و اوهام که امروزه نبوت را يك تجربه ی دینی و شخصی می دانند، بگذریم اما کسانی که واقعا معتقدند يك جبریلی هست و وحیی نازل می کند، خدایی هست که دستور می دهد و به قلب پیغمبر چیزی القا می شود، به همین چیزهایی که عوام معتقدند ما هم معتقدیم، چه اندازه بیش تر از آن ها به این حقایق معتقد هستیم؟ در مورد وجود امام(عج)، ما مضامینی در همین کتاب مفاتیح الجنان درباره ی امامان داریم که اگر کمی دقت کنیم، آن وقت می فهمیم که چه قدر دور هستیم. ((... من إراد الله بدی بکم و من وحده قبل عنکم و من قصده توجه بکم)) (7) یعنی چه؟ ((... بکم فتح الله و بکم یختم)) (8) مفهوم این فرازا چیست؟ ((... بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض الا باذنه و بکم ینفس الهم و یکشف الضر)) (9) به چه معناست؟!

شاید همه ی ما ده ها و صدها بار این فراز را خوانده باشیم؛ اما چه قدر فکر کرده ایم که باطن این معانی چیست؟ و اگر من و شما برای فهم این ها دقت نکنیم، پس چه کسانی باید بفهمند؟!

((...بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء ...))(10) ((... و بیمنه رزق الوری ...))(11) ((... خلقکم الله إنوارا فجعلکم بعرضه محققین حتی من علینا بکم ...))(12)

این فراز یعنی چه؟ این پیغمبر و امامانی که ما می شناسیم، در يك تاریخ معینی متولد شده اند و از عرش هم که نیامده بودند و بعد از دنیا رفته اند و امام دوازدهم به عقیده ی ما حیات دارند و بقیه شهید شده اند، پس این جملات و فرازاها به چه معناست؟

((... فجعلکم فی بیوت إذن الله إن ترفع و یذکر فیه اسمه ...))(13) من نمی دانم معنای این جملات چیست و چه مفاهیمی در آن نهفته است اما می خواهم به جهل خودم اعتراف کنم و چیزی هم برای شما ندارم که این جا حل کنم و ان شاء الله که شما پاسخ این سوال ها را می دانید. ولی می دانم که چیزی بیش از آن چه ما می فهمیم وجود دارد. به طور قطع جنینی که در شکم مادر تسبیح خدا می گوید، با جنین هایی که من و شما می شناسیم تفاوت دارد. این که وقتی طفلی از مادر متولد می شود، به حالت سجده به روی زمین می افتد؛ این با دیگران فرق می کند. در روایات داریم که بعضی ائمه(علیهم السلام) یا حضرت زهرا(س) در شکم مادر هم با مادرشان سخن می گفتند و او را دلداری می دادند. در تفسیر این آیه ی شریفه که خداوند به ملایکه فرمود:

((... إنبونی یاسماء هولاء ...))(14)

در روایات هست که ((هولاء)) اشاره است به انوار اهل بیت(علیهم السلام) که در آن عالم بودند. افتخار حضرت آدم بر ملایکه این بود که اسمی آن ها را یاد گرفت. خداوند در این باره می فرماید:

((و علم آدم الاسماء کلها ...))(15)

و الا خود آن ها که اسمی الاسما هستند. (16) آن ها قبل از خلقت آدم خلق شده بودند. رسول گرامی اسلام(ص) در این زمینه فرمودند:

... کنت نبیا و آدم بین الما و الطین ... ; (17)

... زمانی که آدم(ع) هنوز آب و گل بود، من پیامبر بودم

این ها یعنی چه؟ يك وجود نورانی برای اهل بیت(علیهم السلام) اثبات شده و انسانها تشویق شده اند که سعی کنند معرفت خودشان را به نورانیت تبدیل کنند. این جا هم می فرماید: ((... خلقکم الله إنوارا ...))(18) ... خداوند شما را نورهایی خلق کرد ((...))

حالا این نور یعنی چه؟ آیا منظور نوری است که ما از چراغ و خورشید و ماه می بینیم و یا چیز دیگری است؟ که احتمالا چیز دیگری است چرا که خداوند می فرماید:

((الله نور السموات والارض ...))(19)

این نور حسی نیست. چون خدا که جسم نیست؛ خودش نور است؛ يك نوری هم دارد می شود نور النور.

به هر حال، حقیقتی وجود دارد به نام نورانیت؛ چیزی است که این عالم با همه ی انوارش، با این همه کهکشان ها و خورشیدها، در مقابل آن، ظلمت است و اهل بیت(علیهم السلام)، وجودی از سنخ آن نورانیت داشته و دارند که قبل از خلقت آسمان ها و زمین و قبل از خلقت انسان ها در عرش الهی حضور داشته اند.

مسئله ی دیگر درباره ی وجود انبیا و ائمه ی اطهار(علیهم السلام) این است که معتقدیم که آنان همیشه زنده اند و حیات دارند. ((إعلم إن ... یرون مقامی و یسمعون کلامی و یردون سلامی))،(20) ((... إحياء عند ربهم یرزقون))،(21)

ولی به هر حال، تماس جسمانی نمی توانیم با آن ها بگیریم؛ هر چند که تماس روحانی می شود گرفت. توسلاتی که به

ایشان پیدا می کنیم، تماس با روح آن ها است؛ روحی که مرتبه اش پایین تر از وجود نورانیت است؛ چیزی که تعلق به جسم می گیرد؛ حضورش در جسم با غیبتش در جسم فرق می کند. ما هم با توسل می توانیم با آن تماس گرفته و استفاده کنیم. توسل، نوعی برقراری ارتباط است. البته ما هم روح داریم؛ روح ما بعد از مرگ هم باقی است اما بودن روح ما با روح آن ها اندکی تفاوت دارد. آن ها (.. . عند ربهم یرزقون)(22) اند و ارواح ما بعد از رفتن از این عالم معلوم نیست در کجا و در چه حالی باشند.

از این مباحث استفاده می شود که يك مقام نورانیت داریم که فوق تصور ماست. هر چه به مغزمان هم فشار بیاوریم، چیزی نخواهیم فهمید. همین خوب است که بگوییم نور خداست، انواری است که خدا در عرش خودش قبل از خلقت عالم قرار داده است؛ بلکه تمام هستی پرتوی از نور آن هاست. این گونه روایات را اهل سنت نیز نقل کرده اند که نور پیامبر اکرم(ص) و امیرمومنان(ع) يك نور بود که خدا قبل از خلق آسمان ها و زمین آفرید و این نور واحد بود تا در صلب عبدالمطلب تقسیم شد؛ یکی در صلب عبدالله قرار گرفت و منشأ پیدایش رسول اکرم(ص) شد و یکی در صلب ابوطالب که منشأ پیدایش امیرالمومنین(ع) شد.(23)

بهشت را خداوند از نور پیغمبر اکرم(ص) خلق کرد؛ حتی لوح و قلم را؛ لوح و قلمی که باز به حسب آن چه در روایات آمده، منشأ پیدایش تمام تقدیرات خداست. قضای الهی به واسطه ی قلم بر لوح ثبت می شود؛ لوح و قلم نیز از نور اهل بیت(علیهم السلام) آفریده شده است. قرآن وقتی از روح الامین سخن می گوید، که به حسب بعضی تفسیرها (علمه شدید القوی)(24) است. کسی است که رسول کریم، رسول امین و در عرش خدای متعال است. مکان او پیش خداست. این روح الامین، با این عظمت، در روایات آمده که چند مرتبه پیغمبر اکرم(ص) او را به خلقت اصلی اش مشاهده فرمودند. در روایت آمده است: ... و روح القدس فی جنان الصافوره ذاق من حدائقنا الباکوره ... (25)؛ ما مقامات و باغ های پرنمری داریم که روح الامین در آن باغ های کوچک از آن میوه ها نوبر آن میوه ها را چشیده است

روح الامین با آن عظمتش نوبر درخت های پرنمرد خاندان عترت را چشیده است. البته کاری به سند این روایات نداریم. از این گونه روایات در احادیث ما بسیار نقل شده است. ما می خواهیم بگوئیم چیزهایی هست فوق آن چیزهایی که ما می فهمیم. (الم ذ لك الكتب لا ريب فيه هدی للمتقين الذين يؤمنون بالغيب...)(26) الم (بزرگ است خداوندی که این کتاب عظیم را، از حروف ساده ی الفبا به وجود آورده) آن کتاب با عظمتی است که شك در آن راه ندارد. و مایه ی هدایت پرهیزکاران است (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب [آن چه از حس پوشیده و پنهان است] ایمان می آورند

در بعضی از تفاسیر، از این آیه به وجود مقدس امام زمان(عج) تفسیر شده است. تفاوت اصلی مومن و کافر آن است که ملاک مومن مشهودات و محسوسات نیست.

اگر ما فقط به محسوسات اکتفا کنیم که اصلا خدا را هم انکار خواهیم کرد. مشکل بنی اسرائیل همین بود؛ می گفتند: (... إرنا الله جهره...)(27)؛ خدا را آشکارا به ما نشان ده... . یا این که می گفتند: (... لن نومن لك حتى نری الله جهره...)(28)؛ ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد؛ مگر این که خدا را آشکارا (با چشم خود) ببینیم... .

ایمان به غیب نداشتند. خیال می کردند انسان تا چیزی را نبیند، نمی تواند ایمان بیاورد. این روحی است که امروز بر فرهنگ جهانی حاکم است؛ يك نوع گرایش پوزیتیویستی(29) که البته دارای مراتبی است. برای این که گرفتار حس گرای و چنین گرایش هایی نشویم، قدم اول این است که ایمان به غیب داشته باشیم؛ بدانیم که چیزهایی هست که ما نمی شناسیم و درک نمی کنیم. اگر این گونه نباشد، اصلا وارد مرز ایمان نشده ایم. از مجموع آن چه درباره ی مقامات اهل بیت(علیهم السلام) در آیات و روایات آمده است، به دست می آید که آنها مقامات بلندی دارند که ما نمی فهمیم. اگر هم بفهمیم نمی توانیم صاحب آن مقام شویم.

مقام امام و وجود امام و نقشی که تکوینا در این عالم دارد، چیزی است که فهم ما در زمینه ی آن بسیار کم است. البته گفتنی است که کسانی خواستند عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام - را بفهمند، گرفتار غلو شدند. کسانی خواستند مقام ائمه(علیهم السلام) را درک کنند، آنان را به مقام الوهیت رساندند.

روزی پیامبر اکرم(ص) با اشاره به امیرالمومنین(ع)، فرمودند: اگر نبود ترس از این که درباره ی علی بگوئید آن چه نصارا درباره ی عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیه السلام - گفتند، از فضایل علی چیزی می گفتم که مردم خاك پایش را برای شفا ببرند.

ترس از این بود که مردم گمان کنند علی(ع) خداست. ما خدا را درست نشناختیم، خیال می کنیم هر کس دارای چنان قدرتی باشد، خداست.

به هر حال، بین این حد معرفت عوامانه ی جاهلانه، که مثل بنده داریم، و آن معرفتی که باید به آن برسیم، مراتب بسیار زیادی وجود دارد که هر کسی به اندازه ی همت خودش، اگر از راه خودش درست برود، می تواند آن را درک کند. شما هیچ فکر کرده اید که شیعیان و تقریبا تمام اهل تسنن، مسئله ی توسل به وجود پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت(علیهم السلام) را کم و بیش قبول دارند؟ یکی از دوستان، نقل می کرد که چند روز پیش سمیناری در کردستان داشتیم؛ علمای اهل تسنن شرکت کرده بودند؛ در مدح اهل بیت(علیهم السلام) چیزهایی می گفتند که ما در بین شیعیان کم تر می شنویم. چه توسلاتی نسبت به اهل بیت(علیهم السلام)، خصوصا وجود مقدس حضرت زهرا(س) و حضرت ابوالفضل(ع) دارند! ((السلام عليك یا إیصالح المهدي إدرکنی)) (30) خیلی ها این جمله را گفتند و اثرش را دیدند؛ در گم راهی های بیابان راه را پیدا کردند؛ مشرف به مرگ

بودند، نجات یافتند. این صدا را چگونه شنیدند و چگونه پاسخ دادند؟ از کجا صاحب صدا را تشخیص می دهند که کجاست و چه می خواهد؟ و

این ها سوالاتی است که پیغمبر اکرم(ص) فرمودند اگر به آن ها پاسخ دهم، می ترسم که مردم به گونه ای فکر کنند که نصارا درباره ی عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام - گمان می کردند.

هر روز در نماز به پیامبر خدا(ص) سلام می دهیم؛ ((السلام علیک ایها النبی...)) آیا واقعا این فقط يك لفظ است که بر زبان جاری می شود و شنونده ای در کار نیست؟! برای رفع قصور نماز، باید سجده ی سهو به جای آوریم و در حال سجده، به پیغمبر سلام کنیم. آیا در حکمت این کار اندیشیده اید؟ اجمالا باید بدانیم که خیلی چیزها درباره ی این بزرگان هست که باید یاد بگیریم؛ البته همه آنها را نمی توانیم بیاموزیم ولی فی الجمله اگر در این اشارات و بیانات روایات دقت کنیم، هیچ ابهامی نمی ماند. امروز رسم شده که در همه چیز تشکیک می شود. شنیدم بعضی ها در این که می توان زیارت عاشورا خواند یا نه، شك کرده اند! می گویند سندش معتبر نیست.

در این گونه افراد، روح تبرا تضعیف شده است. تبلیغاتی که برای تساهل و تسامح شده روح تبرا را از ما گرفته است. به خاطر این که زمینه ی تسلط فرهنگ جهانی را فراهم کنند، در بسیاری از عقاید شیعه تشکیک می کنند؛ مسجد جمکران، زیارت عاشورا و ... می گویند: جمکران مسجدی است برای عبادت خدا؛ حال که مردم این گونه آن جا جمع می شوند، شما هم یادی از امام زمان بکن. گناه که ندارد؛ قصد ورود نکن، به قصد رجا برو. شیطان وقتی بخواهد انسان را از راهی باز بدارد، در همه چیز در سند یا در دلالت تشکیک می کند.

وجود امام تنها این نیست که برای بیان احکام، کلامش حجت باشد یا برای مدیریت جامعه، اطاعتش واجب باشد؛ این يك امر ظاهری و اعتباری است که اولین مرتبه ی ایمان ماست. هر عوام و درس نخوانده ای، هر ضعیف الایمانی، اگر بخواهد شیعه شود، باید این اعتقاد را داشته باشد. آن چه از علما و بزرگان و اهل دقت انتظار می رود، عمق این مسائل است. باید در این ها بیش تر فکر کنیم. ابتدا فکر کرده، باور نموده و سپس به یقین برسیم؛ بعد هم سعی کنیم به لوازمش ملتزم شویم. ارتباطی که باید برقرار کنیم باید حاصل شود. نورانیتی که باید کسب کنیم، در پرتو این انوار الهی نصیب ما می شود که متأسفانه قدرش را نمی دانیم. مثل ما در استفاده ی از وجود اهل بیت(علیهم السلام) مثل کسی است که از يك اقیانوس به اندازه ی يك استکان مصرف کرده و بقیه ی مراتبش هنوز دست نخورده باقی مانده است. ما غافلیم. ما باید از این معارف استفاده کنیم؛ چرا که گوشت و پوست و خون ما از مال امام زمان(عج) است.

پروردگارا، تو را به مقامی قسم می دهیم که نمی فهمیم چیست؛ به مقامی که اهل بیت(علیهم السلام) در نزد تو دارند و تو می دانی و ما نمی دانیم؛ تو را به عزیزترین بندگانت قسم می دهیم که دل های آلوده ی ما را لایق بخشی از معارف آن ها قرار بده.

این آلودگی ها را از باطن ما بزدا تا لیاقت استفاده از آن نورها را به اندازه ی ظرفیت خودمان بیابیم. ما را به وظایفمان نسبت به مولامان آشنا تر و در انجامش موفق تر بگردان. سایه ی جانشین شایسته اش بر سر ما مستدام بدار. والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

پی نوشت :

1. اندیشمند، محقق، استاد حوزه و دانشگاه و رییس موسسه ی آموزشی، پژوهشی امام خمینی؛ قم.
2. مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه رمضان؛ کفعمی، بلد الامین، ج 1، ص 203: خدایا! برای حجت بن الحسن(عج) که درود تو بر او و اجدادش باد، در این ساعت و در هر ساعت، دوست، نگه دارنده، پیشوا، بار، راهنما و دیدبان باش تا او را در زمین خود با اقتدار و فرمان روایی جایگاه دهید و برای مدت طولانی در آن بهره مند سازید.
3. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.
4. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 1، ص 348، ج 1220.
5. مفاتیح الجنان، فرازی از مناجات شعبانیه: ...خدایا ببردن از همه چیز و روی آوردن تنها به سوی تو، به من عطا فرما... .
6. پیشین: ... (خدایا) شیفتگی یاد تو را در دلم افکن که مرا به یاد تو سوق می دهد
7. پیشین: فرازی از زیارت جامعه: ... آن کس که خدا را خواست به شما شروع می کند، و آن کس که او را یگانه می داند از شما می پذیرد، و آن کس که می خواهد به سوی خدا رود به وسیله ی شما به او روی مآورد
8. پیشین: ... خدا به وسیله ی شما آغاز نمود و به وسیله ی شما به پایان می رساند
9. پیشین: ... (خدا) به وسیله ی شما آسمان را نگه می دارد تا بر زمین فرود نیاید مگر به فرمان او، و به وسیله ی شما غم و اندوه را می زداید و ناراحتی را برطرف می سازد
10. پیشین: ... به وسیله ی شما باران را نازل می کند و آسمان را نگه می دارد
11. پیشین: فرازی از دعای عدیله: ... به برکت او به خلق روزی می رسد... .
12. پیشین: فرازی از زیارت جامعه: ... خدا شما را به صورت نورهایی آفرید و دور عرش خود قرار داد تا زمانی که به وسیله ی شما بر ما منت گذاشت
13. پیشین: ... شما را در منازلی قرار داد که به بلند کردن آن ها و یاد نام او در آن فرمان داده است
14. سوره ی بقره(2)، آیه ی 31: ... اسامی این ها را به من خبر دهید

15. سوره ی بقره(2), آیه ی :31 سپس علم اسمی[= علم اسرار آفرینش و نام گذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت
16. ر.ك: علامه طباطبایی, المیزان, ذیل آیه ی 31 سوره ی بقره.
17. بحارالانوار, ج 16, ص 402, ح ; 1 پیشین, ج 18, ص 278.
18. مفاتیح الجنان, فرازی از زیارت جامعه ی کبیره.
19. سوره ی نور (24), آیه ی :35 خداوند نور آسمان ها و زمین است
20. مفاتیح الجنان, اذن دخول حرم های شریف: می دانم ... که جایگاه مرا می بیند و سخن مرا می شنوند و به سلام من جواب می دهند.
21. سوره ی آل عمران (3), آیه ی :169 ... آنان زنده اند, و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.
22. پیشین: ... نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.
23. به عنوان نمونه: قندوزی, ینابیع الموده, ج 2 - 1, ص 304.
24. سوره ی نجم(53), آیه ی :5 آن کس که قدرت عظیمی دارد[= جبرئیل امین] او را تعلیم داده است.
25. بحارالانوار, ج 75, ص 377, ح 3.
26. سوره ی بقره(2), آیه ی 3 - 1.
27. سوره ی نسا(4), آیه ی 153.
28. سوره ی بقره(2), آیه ی 55.
29. برای دریافت مفهوم این واژه, ر.ك: عبدالحسین خسرو پناه, کلام جدید, ص 322.
30. درود بر تو ای ابوالصالح مهدی به فریادم برس.